



سازمان توده انقلابی دانشجویان و دانش آموزان - انگلستان

د یماه ۱۳۶۰

شماره ۱

امپریالیسم

در نقاب 'سوسیالیسم'

ما و رژیم 'جمهوری اسلامی'

در یکی دو سال اخیر صحبت‌های زیادی در اطراف "مبارزات جناح چپ حزب کارگر" برای رسیدن به قدرت سیاسی در انگلستان بگوش می‌رسد. نماینده این جپی ها (تونو بن) یکی از اعضای پارلمان انگلیس است که رهبری جناح "چپ" حزب کارگر انگلیس را بعهده دارد. بسیاری از انقلابیون و نیروهای مبارز واقفند که تضاد تونی بن با مایک غوت (رهبر حزب کارگر) و مارگارت تاچر (نخست وزیر انگلیس) در زمینه تضاد های درونی امپریالیسم انگلیس و ارتجاع حاکم است. ولی از آنجائیکه برخی از نیروهای مرفی و مردمی شناخت کاملی نسبت به این جناح امپریالیستی نداشته و خواهان حمایت آنها برای انقلاب ایران هستند ما لازم میبینیم که چگونگی این تضاد را به مختصر شکافته و ماهیت ضد مردمی این "جپی ها" را روشن تر از آنچه می نماید نشان دهیم.

عواملی که امروز باعث آشکار شدن و شدت یافتن تضاد بین این جناح های امپریالیستی در انگلستان میگردند عبارتند از:

- بحرانهای عمیق سیستم امپریالیستی و رشد و گسترش انقلابات جهانی و قدمهای سریعتر امپریالیستها به طرف جنگ
- امپریالیستی. واقعیت این است که امروز بورژوازی انگلیس به در سرهای شدید و مبتلا گشته و با مشکلات بسیاری دست به بقیه در صفحه ۳

دوباره بسیج و حمایت کامل شده و به باز پس گرفتن زمینهای خود پرداخته اند. حقوق کارگران که هرگز در طول دو سال و نیم گذشته داده نمیشد امروز بیشتر از پیش مورد تجاوز قرار گرفته و حقوق زنان پایمال امیال ارتجاعی اینان شده دیگر لیبرالها هم آزادیشان برای سخنرانی، نوشتن و اجتماع از بین رفته و زندانها از انقلابیون و مخالفین مرفی رژیم پر گشته و در شهرها و دهات جوی خون بر راه افتاده است و این حکومت يك نفر پیرو کفار خون آشام و مرتجع نیست.

این حکومت سرمایه داران وابسته به امپریالیستها و غنود الهای رژیم شاه است که زیر پرچم اسلام و حمایت آن ملای خون آشام یعنی خمینی جلال و زنده شده و از همان سبک و روش های شاهنشاهی برای سرکوب خلقهای ایران استفاده میکند و همان طور که رژیم شاه با اجرای سیاستهای خائنانه و خانمان بر انداز، اقتصاد را به ورشکستگی کشاند و جز فقر و محرومیت بیشتر چیزی برای ما به ارمغان نیاورد و بر این اساس در مقابل مبارزات مردم هم راهی غیر از سرکوبنداشت اینها هم چه از لحاظ داخلی و چه از لحاظ بین المللی چیزی بجز فقر و محرومیت و وابستگی و از میان بردن استقلال ارمعانی ندارند بلکه عرضه کنند و راهی هم بجز راه سرکوبهای بقیه در صفحه ۲

دستگاهی که امروز بر ایران حاکم شده است یعنی حکومتی که پس از ۳۰ خرداد ۱۳۶۰ همه دولت را در دست خود گرفت فقط حکومت يك یا عده ای ملای جلال و آخوند های فاسد و خونخوار و جنایت پیشه نیست این حکومتی است که تمام سعی و کوشش خود را برای زنده کردن آنچه در روزگار شاه منقور و قبل از آن در جامعه ما حکمفرما بود گذاشته است. درست همان دستگاهها و موسسه ها، سنتها و چیزهای دیگری که بیشتر از همه در انقلاب ۵۷ مستقیم و غیر مستقیم مورد حمله قرار گرفت و مردم ما قصد از میان بردن آنها را داشتند و این رژیم همانها را دوباره از گور بیرون آورده رنگ و روغن زده و بنام روشها و سنتها و نهاد های صد درصد "انقلابی" و یا "اسلامی" بخورد مردم میدهد. سازشکاریهای مفرط با امپریالیستها و وابستگان آنها در دوران بعد از قیام و سرنگونی سلطنت امروز رك و پوست کنده تبدیل به دان و ستند و نشست و بر خاست با امپریالیستها شده و شعارهای نه شرقی و نه غربی غیر از بصورت تشریفاتی و بر حسب عادات از دهان رهبران جمہوری اسلامی ایران بیرون نماید.

غنود الهای و زمین داران بزرگ که در رژیم شاه قدرت زیادی داشتند در مقابل دهقانانی که بعد از سرنگونی رژیم شاه به تقسیم زمینهای آنها دست زده بودند

نوع آریامهری و "تکامل" یافته تر از آن ندارند که در مقابل مبارزات مردم، که میروند بنیاد اینهارا هم مثل شاه بر باد بدهند، ندارند. این سرکوبهای شدید و شکنجهها و اعدامهای بی دریغی که بنه قزاق مطبوعات غربی ۳۵۰۰ نفر را در عرض ۶ ماه شهید کرده اند خود نشانه ضعف و زبونی رژیم است. اینها خود را در مقابل بل مبارزات مردم بی چاره می بینند و برای ادامه عمر ننگین خود به چاره نهایی همه مرتجعین جهان و تاریخ متوسل میشوند و عاقبت جایی هم در کنار آنها در گورستان تاریخ خواهند یافت.

این رژیم برای مقابله با فشار نارضایتی ها هیچ برنامه معین اقتصادی ارائه ننموده و در واقع هیچ برنامه ای ندارد که ارائه کند. سرمایه داران وابسته به چپاول خلق مشغولند خریدهای اسلحه از اسراییل و انگلیس و آمریکا ادامه دارد و بگزارش فاینانشال تایمز (۱۹ نوامبر ۸۱) میزان واردات مستقیم ایران از آمریکا امسال حدود ۱۵ برابر سال گذشته بوده است. صادرات نفت به حد اکثر ۳۰۰ هزار بشکه در روز تقلیل پیدا کرده و ضایعات ناشی از جنگ نیز بر تمام مشکلات اقتصادی دیگر افزوده و رژیم را بیچاره تر و ناگزیر متوسل به سرکوب نموده است.

باین منظور و برای اطمینان از وفاداری ارتش در ادامه سرکوبها تصفیه های بزرگی در ارتش در جریان است فقط در تهران از نیروی هوایی ۷ هزار نفر را اخراج کرده اند و بناسبتا ۲۰ هزار نفر را از این نیرو اخراج کنند و دیگر بقیه ارتش به جای خود، ولی با همه تصفیه هایتان همه این ارتش در مقابل مبارزه مردم تائب نخواهد آورد و خرد و تجزیه میشود.

مبارزات مردم اختلافات جناحهای مختلف را در هیئت حاکمه که پس از بیسرون انداختن بنی صدر بعنوان آخرین جریانهای ملی درون حکومت دیگر یک دست ارتجاعی هستند دامن زده است.

این جناحهای مختلف هر یک به یکی از د اردسته های امپریالیستی وابستگی و گرایش هایی دارند و بخصوص اخیراً کار اختلافات آنها بالاتر گرفته است.

پس از انفجار در مقر حزب جمهوری اسلام می و کشته شدن سردمداران امریکایی حزب از قبیل آیت و بهشتی گرایش امریکائی در حزب جمهوری نسبتاً تضعیف شد و جریانی که گرایش به حزب توده و شوروی دارد به تقویت خود پرداخته اند.

د اردسته برادران خامنه ای که بطرفداری از سوریه و لیبی مشهور هستند امروز ریاست جمهوری و نخست وزیری را در دست خود گرفته اند. بگزارش روزنامه ساندی تایمز (اول نوامبر ۸۱) بلافاصله بعد از کنار رفتن مهدوی کنی از نخست وزیری بسیاری از عوامل رژیم از ادارات اخراج شده اند که گویا طرفداران مهدوی کنی هستند. کمیته ها که اکثر آنها در دست طرفداران کنی بود هم بوسیله طرفداران خامنه ای و غیره پر شده است.

یادآوری کنیم که محافل غربی کنی را بعنوان ان شخصی "میانرو" و غیره نام برده تلویحا پشتیبانی مینمودند. کار اختلافات بین این د اردسته ها بجایی رسیده که بگزارش همین روزنامه، کنی از سوت محمد بجان خود بیمناک است. رادیو و تلویزیون یکی دیگر از مراکزی بود که بوسیله افراد خامنه ای "تسخیر" شد و طرفداران کنی را بزور بیرون ریختند.

کشمکش درون حکومت از یک طرف تأثیر مبارزه مردم و روشهای مختلفی است که هر کدام از جناحها در مقابل با این مبارزات پیش میگذارند. و از طرف دیگر کوششی است که هر یک از جناحها برای بدست آوردن تمامی قدرت بکار میبرند و این کشمکشها خود باعث تضعیف رژیم و ناتوانی آن در ارائه یک برنامه همه جانبه برای مقابله با موج انقلابیست که فرا میرسد. از جانب دیگر مبارزات مردم با آنکه از ۳۰ خرداد با اهرام ارتداد است ولی در عمق جریان دارد و هر دم بر

نفرت و انزجار مردم از اعمال ارتجاعی و کشتار های قرون وسطائی رژیم و فشارهای اقتصادی ای که از جانب آن بر دوش مردم می افتد و افزود شده و در نباله مبارزات د و ساله خود علیه حزب جمهوری اسلامی برای سرنگونی حکومتی که از جانب آن تحمیل شده آماده میشوند و قطعاً نیز به سرنگونی آن نائل خواهند آمد. سازمانهای انقلابی نیز جز معدودی راست روان چپ نمایی شرایط سرنگونی رژیم را فراهم دید و در این راه کوشش و تبلیغ می کنند.

حتی نیروهای لیبرال و سازشکار برعلیه رژیم به مبارزه برخاسته اند. آقای بنی صدر که خود در محافل حاکم در بالاترین موقعیتها قرار داشت و قلعه تأدیر بسیاری از فشارها و سرکوبها که عواقب آن را منگیز خودشان همشده است مسئول میباشند؛ امروز در نبال مخالفتهای خود با حزب جمهوری اسلامی و افشاگریهایی که از بعضی سرکوبها و قراردادهای امپریالیستی نمود از حکومت رانده شده و بر علیه رژیم مبارزه پرداخته است. هر کس که واقعا خواهان سرنگونی رژیم حاکم بر ایران باشد بایستی از هر مخالفت و مبارزه عناصر مترقی حتی لیبرالی ترین نوع آن بر علیه رژیم پشتیبانی نماید و ما هم این کار را کرده و میکنیم.

در عین حال ما بمنظور تقویت مشی و سیاست د مکراتیسم انقلابی و حاکم کردن آن بر جنبش با هر گونه سیاستهای سازشکارانه و ناپیگیری مبارزه بر خواهیم خاست، ما مانند اکثریت عظیم خلقهای ایران خواهان سرنگونی قهری رژیم حاکم با تمام ارگانهای نظامی و اداری آن هستیم و اعتقاد داریم که این رژیم فقط با رفتن خمینی وعده ای دیگر از ملایان فاسد و خلع ید از آنها ناپود نمیشود. ما خواهان جمهوری د مکراتیکی هستیم که در آن از سرمایه داران وابسته خلع ید گردد و از صنایع وابسته یکباره دل بریده شود. زمینهای زمین داران بزرگ بوسیله شوراهای دهقانان بقیه در صفحه ۴

گریبان است که تابستان گذشته کابوس وحشتناکی برای طبقه حاکم به همراه داشت. در این تابستان شدیدترین تظاهرات و زد و خورد ها در تاریخ انگلیس با پلیس بوتوق پیوست. هزاران نفر و در راس آنها اقلیت های تحت ستی که در زمان اوج قدرت امپراطوری انگلستان برای استغاده اربابها و سرمایه داران به انگلستان آورده شده بودند به اتفاق صدها جوان سفید پوست در این تظاهرات و زد و خورد ها شرکت داشتند و با حرکتی قهرآمیز به این حاکمین سرمایه انحصاری یورش بردند. این مبارزات باعث رشد تضاد های جناح های طبقه حاکم بر انگلیس شده و یکسری محکوم کردن سیاست ها و " تیره کردن " جناح های مختلف را بوجود آورد. از این گذشته حزب کارگر انگلیس در نتیجه تعقیب سیاست هایی از قبیل دفاع از سیاست آمریکا در ویتنام و شکست در برقراری " رفاه اقتصادی " نسبی در شرایط بحران امپریالیستی توسط این حزب از ۸۰۰ هزار عضو در سال ۱۹۶۶ امروز به ۲۸۰۰۰۰ رسیده است. در چنین شرایطی است که تونی بن و " دست چپی ها " دیگر بطور فعال برای حفظ انگلستان به برنامه ای جدید وارد صحنه سیاسی انگلیس شده اند. پایه های برنامه ای که " جناح چپ " حزب " کارگر " به پیش میگذارد عبارتند از :

خارج کردن انگلستان از بازار مشترک اروپا و منحل کردن مجلس لرد ها، ملی کردن تمام صنایع مهم، تجدید تقسیم ثروت ملی و از میان بردن کلیه سلاح های اتمی در انگلستان و تحریم کلیه سلاح های اتمی امریکایی از قبیل موشک های " کروزر ". این سیاست ها که از طرف تونی بن و شرکاء یک قدم بزرگ در راه " سوسیالیسم " نامیده میشوند در واقع قدمی بزرگ در راه حفظ امپریالیسم انگلستان هستند. تونی بن و " چپ های " دوروبرش پیشنهاد ملی کردن مقدار بیشتری از صنایع انگلیس

تان را میکنند و این در واقع چپ سازی نیست مگر ادامه " سیاست های " سوسیالیستی " که بورژوازی انگلیس مدت ها پیش گرفت تا مقداری از صنایع را که به وضع فلاکت باری افتاده است (تحت تاثیر بحران اقتصادی امپریالیستی) از طریق کمک های اقتصادی دولت از ورشکستگی نجات دهد. صنایعی از قبیل زوب آهن معادن ذغال سنگ و راه آهن مدتها قبل بنا به ضرورت اقتصادی توسط بورژوازی انگلیس " ملی " شدند و باید اضافه کنیم که این " ملی " کردن ها نیز هیچ کمکی به اقتصاد ورشکسته امپریالیسم انگلیس ننمود. سیاست خروج از بازار مشترک اروپا نیز در واقع به دلیل اینست که جناحی از بورژوازی انگلیس احساس میکند که با خارج شدن انگلستان از بازار مشترک (انگلستان و ایرلند کشورهایایی هستند که در میان کشورهای تشکیل دهنده این بازار دارای بدترین وضع اقتصادی هستند) سرمایه داران انگلیس تان قادر خواهد بود که بهتر از گذشته اجناس بنجل خود را در بازارها بفروش رسانند و با امپریالیست های دیگر رقابت کند. مسائل دیگر مطرح شده نیز با اینکه در ظاهر بسیار مرقی بنظر آمده و از رنگ و لغاب " رادیکال " برخوردارند ولی در باطن نقشه های بیش نیستند برای منحرف کردن طبقه کارگر انگلیس از دشمن اصلی خود یعنی سرمایه داری بهر صورتی و راه مبارزه بر علیه دشمن یعنی انقلاب قهرآمیز. این برنامه ها و سیاست ها هیچ تغییری در ماهیت امپریالیستی انگلیس نداده و هیچ " معجزه های " نخواهد نمود. از این جاست که در میابیم تمام صاحب منصبانی که از این طرح ها و از این جناح سرمایه داری (به رهبری تونی بن) دفاع نموده و تبلیغ آنرا میکنند از قبیل شهر دار های " چپ " و نماینده های ترید یونیون ها و اعضای " چپ " پارلمان انگلیس و " شوراهایی " که رهبران

را این جناح سرمایه داری در دست دارد. نه تنها خلقی نیستند بلکه یک بخش از دشمن مردم و طبقه کارگر این کشور را تشکیل میدهند. نکته قابل توجه دیگر در باره " چپ های انگلیسی " نقطه نظرات آنان در مورد سیاست خارجی امپریالیسم انگلیس و جنبش ها و انقلابات کشورهای تحت سلطه از قبیل انقلاب ایران میباشد. اینها برای حفظ ظاهر نیمچه آزادیخواهی خود مجبورند در مواضعی موافق مشخمی در قبایل بعضی از مبارزات بگیرند مثلاً " رژیم خمینی را به خاطر انجام تعداد زیادی اعدام و یا از بین بردن حقوق زنان محکوم میکنند. این محکوم کردنها معمولاً واقعی و ساطنی نیستند و اگر باشد در خدمت سیاست های این جناح های امپریالیستی قرار دارند. ضمناً امروز شاهد یک مقدار " محکوم کردن اختناق " از طرف دیگر جناح های امپریالیستی نیز هستیم که تبلور خود را در نشان دادن اسناد شکنجه و صحنه های اعدام در وسائل ارتباط جمعی این کشورها می یابند و این در واقع چیزی نیست مگر ترس از قدرت گرفتن جناح روسی هیئت حاکمه و پیشروی سیاست های حزب توده و این نوکران حلقه بگوش دولت ضد مردمی روسیه.

توجه کنید که مخالفت ما با استفاده کردن از این تضاد ها بنفع مردم ایران و افشای سیاست های ضد مردمی رژیم خونخوار خمینی نیست بلکه سپردن رهبری مبارزات دانشجویی خارج از کشور به دست این " چپ ها " چه در عمل و چه در ظاهر است که ما را دچار نگرانی میکند. حداقل تا کنون نیز دیده ایم که سخنرانی فلان عضو پارلمان انگلیس و یا نماینده ترید یونیون در پایان یک تظاهرات ادعاشجویی تاثیر چندانی بر افکار عمومی مردم که در محل حاضر نبوده اند نداشته است و باعث هیچگونه تبلور اخبار این ما

بقیه در صفحه ۴

در شعار "مشرق نه غربی" در عمل
 "هم شرقی هم غربی" - در مصاحبه ای که
 با رفسنجانی در رابطه با خرید قطعات
 ای - ۱۴ و خرید تجهیزات روسی از وی
 شد او گفت ما شعار نه شرقی نه غربی خود
 زمان را حفظ کرده ایم ولی بالاخره
 تجهیزات خودمان را باید از یک جایی
 وارد کنیم که یک مقدار از ارز را از غرب میآوریم
 و یک مقدار را هم از شرق ولی کارشناس
 نمیآوریم. (رادیو ایران اخبار ساعت
 ۸ یکشنبه ۲۷ دسامبر)
 جالب توجه است که یکماه پیش طبق
 گزارش مجله تایم ۶۳ نفر مستشار روسی
 برای تعلیم سپاه پاسداران برای سر-
 کوب مردم به ایران رفته بودند.

علی محمد بشاری منبر منور رژیم خمینی
 شاکر و غلام با وفای آیت ممدوم و ساوا
 کی شناخته شده به ضرب گلوله انقلابیون
 به دیار دم فرستاده شد.
 حافظ اسد رئیس جمهور سوریه در پی
 دیدار از عربستان سعودی و "تغامم"
 با رهبران مرتجع آن بر سر مسئله حقوق
 فلسطین و در رابطه با شرح پیشنهادی
 عربستان مشروط به "ترجیح نه روز -
 گذشته اعلام کرد که برای تشکیل یک
 کمیته واحد از کشورهای مسلمان بر
 علیه اسرائیل و خاتمه دادن به منازعات
 این کشورها بزودی برای پادرمیانی
 بین ایران و عراق بر سر مسئله جنگ به
 ایران مسافرت خواهد کرد.

گاردین در تاریخ ۶ ژانویه گزارش داد که
 اینتلجنس سرویس انگلستان در مسئله
 گروگان گیری نماینده های دولت ایران
 که در چین خرید پنهانی از انگلستان
 در لندن بازداشت شده بودند دست
 داشته است.

روزنامه تایمز در تاریخ دوشنبه چهارم
 ژانویه ۸۲ گزارش داد که ۱۸ نفر
 از انقلابیون بدست رژیم جمهوری اسلامی
 اعدام شده اند با اضافه شدن این
 مقدار اعدامی تعداد اعدام شدگان
 در دو هفته پیش به ۱۴۶ نفر رسید.
 در همین حال بگفته این روزنامه مسعود
 رجوی در پاریس اعلام کرد که تعداد
 اعدام شدگان توسط رژیم خونخوار خمینی
 به ۸۰۰ نفر رسیده است.

ارتجاع حاکم اخیرا "دست به اقدامات
 کیفی زده است و باین ترتیب میخواهد
 "انقلاب اسلامی" را به کشورهای خارجی
 صادر کند. قسمتی از این اقدامات
 بشرح زیر است؛

وزارت خارجه رژیم ارتجاعی خمینی ۶/۵
 میلیون پوند به صلح کردن دسته جات
 افواج و حزب الهی های خارج اختصاص
 داده است که در کشورهای خارج
 به میتینگ ها و جلسات و تظاهرات
 دانشجویان و شخصیت های متب شرقی
 و مبارز حمله نمایند و در همین رابطه
 است شلیک ۳ گلوله به دانشجویان مبارزی
 که برای تعدید اعتبار پاسپورت خود
 به جاسوسخانه (کنسولگری) رژیم
 ارتجاعی خمینی در پاریس مراجعه
 نموده بود و باز هم در همین رابطه است
 انفجار بمب حدود ساعت نو و نیم بمبد
 از ظهر روز یکشنبه ۱۳ دسامبر در حوالی
 مارل آج در اتوموبیل حامل سه عنصر
 خائن به خلق (تروریست های رژیم
 ارتجاعی) که دو نفر از آنان کشته
 و به بهشتی و اعوان و انصار پیوستند.

میان خود آنها تقسیم شود و حقوق مکررات
 تیک کارگران بی چون و چرا و شرط و شرط
 به رسمیت شناخته شود
 جمهوری مکرراتیک نویقی که دیگر نه
 بسوی سرمایه داری و امپریالیسم بلکه
 در راهی می رود که به محو کلیه آثار استثمار
 می انجامد و ستون اصلی آنرا طبقه کارگر
 و زحمتکشان ده و شهر تشکیل میدهند.
 ما در باره این دورنمای قدرت سیاسی
 در آینده و در شماره های بعدی "ستاد"
 بیشتر صحبت خواهیم کرد و به بررسی دیگر
 برنامه های حکومتی نیز خواهیم پرداخت.

رژیم در وسائل ارتباط جمعی نگشته اند.
 نکته قابل توجه دیگر این است که این
 آقایان "مترقی" اغلب مواقع از تربیون
 دانشجویان مبارز ایرانی استفاده نموده
 و افکار ضد انقلابی خود را از قبیل محکوم
 کردن "استالینیزم" و غیره تبلیغ میکنند.
 ما در صورت لزوم در آینده به بررسی بیش
 تری از مواضع ضد مردمی این آقایان
 خواهیم پرداخت.

پیشنهادات انتقادات و مقالات خود را
 برای ما بفرستید.

آدرس ما:

B.M. Box 8561

London WC1V

3XX